

### گردش زبان اداری دولتی در افغانستان

سرزمین افغانستان امروزی در گذرگاه تاریخ نام های گوناگونی را پشت سر گذرانیده و دولت های مختلفی را نیز تجربه کرده است.

به روایت پژوهندگان شرقی و غربی ، نخستین گروه (( آریایی ها)) یا آزادگان در سده های میان یک هزار تا دو هزار پیشا ترسایی در این سرزمین نخستین دولت سیاسی را به نام پیشدادیان بلخ پی ریختند که ساحه قلمرو آنها از میان رودان ، تا هرات و کابل گسترش داشت. پیشدادیان نخستین سلسله پادشاهان اساطیری در شاهنامه و در برخی از قسمت های اوستا اند . این واژه از دو بخش ساخته شده است (Para Dātā) یعنی که پره به معنی پیش و داتان یعنی دادخواهان و عادلان یا نخستین قانونگذاران . نظام اداری این دولت بر بنیاد سیستم دولتی متمرکز استوار بود و زبان رسمی و سیستم اداری نیز داشت که زبان آن را به نام زبان پارا اوستایی یا زبان هندوآریایی یا زبان آریک مادر زبان فارسی دری می نامند . سیستم اداری دولتی ، چون جمع آوری مالیات بر بنیاد تبادل جنس به جنس استوار بود و هنوز پول گردش پذیر نداشته بود ، با آنها دولت بر بنیاد زبان پارا اوستایی به خط آرامی امور دولتمداری خود را به پیش می برد، گرچه اسنادی از آن دوران بدست نیست ، مگر در زبان پارا اوستایی واژه های چون واژه نوشتن ، نویسنده ، دفتر و غیره کاربرد داشت به گونه نمونه : واژه نوشتن را در زبان پارا اوستایی nipistanaiy می گفتند ، که در زبان سنسکرت به آن (نی پشتایانی ) ودر هندی باستانی ( Pinçāti ) شد ، وواژه ای pin یا قلم انگلیسی نیز از همین واژه ساخته شده است ، همچنان واژه نبیستن در زبان عبری رفت و از آن نبی ونوی ساخته شد، در زبان های سلووی رفت و به گونه (Pisāti) ساخته شد. این واژه در زبان پهلوی اوستایی با تغییر (نانبیسنده) یعنی نویسنده شد و واژه نبیک یا کتاب نیز از همین تغییر به کار می رفته است.

همچنان واژه دبیر صورت سومری آن Dapier یعنی شخصی که در سنگ و گل چیزی نقش ببندد که در زبان پارا اوستایی تپیر شد و در زبان فارسی امروزی ما دبیر گردید و نام دبیره یعنی خط نیز از آن ساخته شده است در کارگاه دولت به کار می رفتند.

در دوره پادشاهی پیشدادیان آتش کشف می شود ، ساختن خانه و سراها را مردم می آموزند ، ساختن لباس ، اهلی کردن حیوانات ، ساختن افزار جنگی ، چون شمشیر ، خود وزره و غیره را مردم فرا گرفته اند و در فرجام دوره پادشاهی این دوره مردم زندگی متمدن و زیست با همی را بکار می برند.

پس از پیشدادیان، کیانیان به تخت شاهی بلخ تکیه می زنند.

دوم: کیانیان که در اوستا به گونه ای ( کوی ها ویا کرپان Karpän) یاد شده اند دومین سلسه شاهان بلخی اند که در سه دوره پادشاهی می کنند. نخستین پادشاه این دوره کی قباد یا (Kavi kavat) است . که پس از او کی کاووس در اوستا (Kavi Usazän) پس از او کی خسرو( در اوستا KaviHaosravah) به تخت شاهی می نشینند. و در فرجام دوره پادشاهی شان پایان می پذیرد. دوره دوم از کی لهراسپ ( در اوستا Aurvataspa) تا کی گشتاسپ( در اوستا Kavi Vişataspa) آغاز می یابد در فرجام دوره سوم از بهمن تا دارا را در بر می گیرد.

در این دوره دین زردشتی به پیامبری زردشت اسپنتمان پدیدار می شود و کی گشتاسپ به این دین می گراید. زبان اداری این دوره زبان اوستایی است که بر بنیاد کتاب مقدس اوستا زبان شان نیز به نام زبان اوستایی که مادر زبان فارسی دری است کاربرد دارد. (۱).

برای روشن شدن زبان اوستایی یا زبان بلخی که در حقیقت مادر زبان فارسی است ، نگاهی می اندازیم به این دوزبان:

در بالا از واژه های پارا اوستایی در زبان فارسی امروزی نگاهی گذرا انداختم ، اینک با کمی تفصیل تر در مورد مناسبات زبان مادر یا اوستایی را با زبان فارسی یعنی فرزند اصلی زبان اوستایی خواهیم نگریست:

زبان اوستایی که آن را زبان بلخی نیز می گویند میان سال های ۹۰۰ تا ۱۴۰۰ پیشا ترسایبی یا قبل از میلاد در بلخ امروزی از بقایایی زبان هندو اروپایی یا هندو آریایی رشد و نمو می کند. در اثر تحقیقات دانشمندان و فارسی پژوهان مشهور اروپا چون : Andreas phil, Bartholomae, Bellew ,

Christensen ,Darmesteter, Geiger ,Geldner ,Grierson,Hehn ,Paul Horn , Houtum-Schindler , Hübschmann, Jaba-Justi , Jackson , Kluge , Lagarde , Lazard ,Nöldeke,Raverty , Salemann , Spiegel,Tavadia, Tomaschek, west, Wolff, Wollaston ,Zeligmann und Zotenberg

و دیگران انجام شده است ، بدون تردید زبان فارسی دری بازمانده فرزند اصیل زبان اوستایی است،

در کتاب های این نویسندگان و به بویژه در کتاب مشهور

**Grundriss der Neupersischen Etymologie 1893 Paul Horn**

که در ۵۷۷ رویه نگاشته شده است و در آن نزدیک به ۱۱۲۹ واژه اوستایی ریشه شناسی شده و انتقال آن به زبان فارسی با کمی تغییر و یا مانند اوستایی آن آمده است ، بیانگر آنست که زبان فارسی دری فرزند زبان بلخی یا باکتری یا اوستایی است. به گونه نمونه بر بنیاد ردیف الفبا به بیست و پنج واژه آن اکتفا

می شود:

آب یا او **Äb Äw** : صورت اوستایی آن **Äp** در زبان فارسی امروزی آب شده است . بد **Bad** صورت اوستایی یا بلخی آن **Paiti** ، یا واژه **Bäxtar** باخترا صورت فارسی امروزی آن **باختر** ، صورت اوستایی آن **Apäxtara** چون در زبان اوستایی واک (ب) کمتر به کار می رفت از اینرو به گونه واک (پ) ادا می شد. واژه پدر مرد خانه کسی که فرزندی داشته باشد. صورت اوستایی آن **پیتار** .  
واژه : **تاج** به معنی افسر دیهم صورت اوستایی آن نیز **تاجه** بوده است. . .  
واژه **جادو** صورت اوستایی آن : **یاتو**  
واژه **چاشت**: ظهر میان صبح و شام واژه در زبان گفتاری مردم کابل صورت **سنسکرت** و اوستایی آن **چاشته**  
خدای به معنی آفریدگار صورت اوستایی آن **خیوتای** .  
داد به معنی عدل ، قانون صورت اوستایی آن **داتا** .  
راز به معنی سر ، پوشیده ، پنهان صورت اوستایی آن **رازا** **Rāzah**.  
واژه **زار** به معنی ناتوان، خوار صورت اوستایی آن **زار**  
واژه **ژرف** به معنی گود ، عمیق صورت اوستایی آن **ژرفی**  
واژه **سال** زمان برابر به ۱۲ ماه صورت اوستایی آن **ساریوا**  
یا **واژه سپاس** : **شکر و یا شکرانه** صورت اوستایی آن **سپاس** .  
واژه **شاد** به معنی خوش و خرم صورت اوستایی آن **شایتی**  
واژه **غند** به معنی گروه ، گرد شده در گویش کابل کاربرد دارد صورت اوستایی آن **گوند** این واژه در عربی رفته از آن **جند** ساخته شده است  
واژه **فراخ** به معنی **کشاد** ، **کشاده** پهن صورت اوستایی آن **فراحه**  
واژه **کار** به معنی **پیشه** عمل شکل اوستایی آن **کارا**  
واژه **گام** به معنی **قدم** شکل اوستایی آن **گامه** .  
**لب بخش بیرونی** دهن صورت اوستایی آن **لپ**  
واژه **مادر**: **بانوی** که فرزندی به دنیا بیاورد صورت اوستایی آن **ماتر**  
واژه **ناب** ، به معنی **پاک** ، **بی غش** و **خالص** صورت اوستایی آن **اناپ**  
واژه **وزیر** به معنی **دستور دهنده** **هیات کابینه** صورت اوستایی آن **فچیره** در زبان عربی رفته و **الوزیر** شده است.  
واژه **هاون** که در آن چیزی **بکوبند** صورت اوستایی آن **هافنه**  
و در **فرجام** واژه **یاد** به معنی **خاطره** ، **خاطر اندیشه** شکل اوستایی آن **یات**  
**چنانی** که دیده می شود

زبان های پیشین دارای واژه های زیادی نبودند ، از اینرو یک زبان مکمل از دو هزار واژه زیاد نداشت ، اگر با ژرف کاوی **بنگریم** زبان اوستایی در تمام سرزمین افغانستان امروزی از **بلخ** ، **تا سند** ، **کابل** ، **هرات** ، **ننگرهار** ، و **کشمیر** صحبت

می شد و زبان فارسی دری که در زبان کوشانی آن را زبان آری می گفتند و از آن نام دری یعنی نام دیگر زبان فارسی ساخته شده است ، زبان بومی و اصیل این سرزمین است و از هیچ کشوری به اینجا انتقال داده نشده است . زبان های پسین چون : سغدی ، خوارزمی ، پهلوی ، سکایی ، پرسوی ، پارتی ، پارسی باستان ، چون زبان های مادی و هخامنشی ، پهلوی اشکانی ، پهلوی ساسانی ، همه از یک خانواده زبانی اند و دارای واژه های بسیار مشترک و همسون هستند این دیدگاه که گویا زبان فارسی دری از تورفان به شرق بلخ و سپس به ایران کنونی رفته است و یا از فارس برخاسته و توسط یزد گرد سوم به مرو و سپس به افغانستان امروزی رسیده است ، یک دیدگاه ناقص است ، زبان فارسی دری با زمینه های اوستایی ، پارتی ، پرتوی ، فارسی ، دری در تمام سرزمین بزرگ ایران پیشین یا افغانستان ، تاجیکستان ، ترکمنستان ، ازبایجان ، ، ازبکستان و ایران امروزی با گویش های گوناگون صحبت و با دبیره های مختلف چون: میخی سومری یا میخی ایلامی ، دبیره آرامی ، دبیره اوستایی ، دبیره یونانی ، دبیره پهلوی ، دبیره مانوی ، دبیره پالی ، دبیره خروشتی ، دبیره دیواندانشاگری و دبیره یا خط امروزی فارسی نگاشته می شده است ، این زبان را یونانیان ، عرب ها ، مغولان نتوانستند نابود کنند ، و این زبان در همین سرزمین پهناور از هزار ها سال صحبت می شود و با گویش های گوناگون کاربرد دارد. نباید چنین پنداشت که زبان فارسی دری از ایران برخاسته و به افغانستان امروزی توسط شاهان پهلوی انتقال داده شده است ، یک دوره کوتاه حاکمیت ساسانیان در کابل به هیچروی عامل انتقال زبان فارسی از ایران کنونی به افغانستان امروزی بوده نمی تواند ، اگر چنین بود پس مردم کابل که در قدیمترین سند ریگویدا نام آن کویها آمده است ، زبان نداشتند و بی زبان زندگی می کردند ، . پس زبان سنسکرت و اوستا یا بلخی که مادر زبان فارسی گویشی مردم کابل ، هرات ، بدخشان ، کشمیر و پشاور است نیز وجود نداشت و یزد گرد سوم به مرو و سپس به کابل آورد ، بسیار کمیدی و عاری از دانش زبان شناسیک است. در فرجام زبان اداری و دولتی های پیشدادایان و کیانیان مادر زبان فارسی دری یعنی زبان پارااوستایی ، سپس تکامل یافته تر اوستایی یا زبان بلخی یعنی مادر زبان فارسی بود.

سوم : زبان اداری دولت ماد ها : ماد ها که از اقوام مهاجر آریایی بودند از آغازین هزاره نخست پیشا ترسایی در یک منطقه وسیع میان ایران ، تاجکستان ، ازبکستان ، یک بخش وسیع افغانستان امروزی حکومت کردند ، دوره حکومتداری آنها ۱۳۰ سال دوام کرد نخستین پادشاه آن دیاکو ، سپس فروتیش ، کیاکزار ، آسیتاگ و دیگران پادشاه شدند و در فرجام به دست کوروش هخامنشی این سلسله نابود شد.

زبان اداری دولت ماد ها : زبان مادها زبان فارسی باستانی بود ، تشکیلات سیاسی و اداری آنها بر بنیاد سیستم اداری متمرکز مانند آشوری ها استوار بود فرورتیش به ایجاد یک سیستم اداری منظم پرداخت و هوشتره آن را تکامل داد.

خط اداری آن ها که در یک لوح بدست آمده خط میخی آکدی استفاده می کردند ، مگر زبان شان زبان فارسی باستانی بود.

زبان اداری دولت هخامنشیان:

هخامنشیان که به روایت تاریخ نگاران از سال ۵۵۰ پیشا ترسایی تا سال ۳۳۰ پیشا ترسایی در یک ساحه گسترده شامل ایران ، تاجیکستان ، ازبکستان ، ترکمنستان و افغانستان و حتی پاکستان امروزی حکمروایی کردند، دولت نیرومند آریایی یا ایرانی را در جهان پی نهادند، که حاکمیت خود را تا مصر امروزی گسترش دادند و توانستند تا دولت مقتدر یونان را نیز شکست بدهند ، مگر آخرین پادشاه هخامنشی داریوش سوم معروف به کدمان از سکندر مقدونی شکست خورد و پادشاهی آن ها خاتمه پذیرفت .

زبان دولت هخامنشی فارسی باستانی نامیده می شود و دبیره یا خط آنها خط میخی اعلامی یا ایلامی بود. (۲)

پس از دولت هخامنشیان دولت یونانی اسکندر مقدونی در منطقه حاکم شد، اسکندر با زبان و تمدن پیشرفته یونانی در بلخ آمد.

چهارم : دولت یونانی : اسکندر مقدونی پس از آن که پدرش فلیپ دوم به قتل رسید در سال ۳۳۶ پیشا ترسایی یا قبل از میلاد بر تخت مقدونیه نشست ، او صاحب ارتش بسا نیرومند شد و طی ده سال تازش پیاپی ودر نبرد ایسوس و گوگمل داریوش سوم پادشاه هخامنشی را شکست داد و دولت مقتدر یونانی را از دریایی آدریاتیک تا رود سندبنیاد نهاد . در دوران او زبان و تمدن یونانی در منطقه رسمیت بخشیده شد و پس از او در منطقه باختر یا یاختریا یا بلخ دیودوت ها تحت رهبری دیودوتس در سال ۲۵۰ پیشا ترسایی اعلام استقلال کرد و دولت یونان باختری را پی نهاد ، پس از آنها خاندان آیتیدیوم ، خاندان ابوکراتید تا سال ۱۴۵ پیشا ترسایی و سلوکی ها در منطقه یکی پی دیگری حکمروایی کردند، زبان رسمی دولتی آنها در آغاز یونانی بود ، مگر پس از مدتی زبان باکتریایی و پارتی زبان رسمی آنها گردید ، که زبان پارتی مادر زبان فارسی است . یونانی ها از فشار سکا ها و یوچی ها به سوی کابل و هندوستان عقب نشینی کردند و دولت آنها پس از نبرد ها در فرجام از میان رفت و جای آنها را دولت اشکانیان گرفت .

در دوره حاکمیت یومانیان ، با انکه ۴۸۱ سال در منطقه حمرروایی کردند ، مگر نتوانستند ، تا زبان بومی مردم را نابود سازند و بجای آن زبان یونانی را مسلط

گردانند. در جریان این سال ها برخی واژه های یونانی در زبان فارسی آنوقت بنا بر نیاز داخل گردید که میتوان واژه های: آبنوس، ارغنون، اریکه، استرلاب، اسطوره، اسفنج، اسقف، افیون، اقاویا، اقلیم، اقیانوس، اکسیر، الماس، انجیل، بربط، برج، بلور، پول، تریاک، جیوگرافیا، درم، دیهم، زمرد، سپهر، سمندر، سیم، صندل، فانوس، قرطاس، قفس، ققنوس، قلم، کالبد، کلید، کلیسا، ناموس، گونیا و غیره را نام برد. مگر نتوانست تا زبان فارسی را در کشور نابود کند. یعنی دوره ۴۸۰ ساله حاکمیت یونانیان نتوانستند، تا زبان ودبیره یا خط شان را در کشور آریانیان آن زمان مسلط سازند.

خاطر نشان می شود، که در فاصله میان دولت یونان باختری دولت مقتدر ماسوریان یا موریای در هند ایجاد شده بود که میان سال های ۳۲۱ تا ۱۸۵ پیشا ترسایبی پس از سلسه ماگاد ها در منطقه حکمروایی کردند، که آشوکا نواسه چندرا گوپتا سراسر هند و افغانستان امروزی را تا کوه های هندوکش در اختیار داشت. و در همین دوره دین بودایی در افغانستان امروزی گسترش داده شد زبان آنها زبان پراکرت، سانسکرت و ماگادهی بود، مگر در غرب یعنی در افغانستان امروزی زبان مردم زبان فارسی میانه یا آریویی مادر زبان فارسی مسلط بود.

همچنان در فاصله میان سال های ۱۵۰ پیشا ترسایبی تا ۴۰۰ ترسایبی دولت سکایی هند که پادشاهان آنها مویز، هاجاتری و دیگران بودند، حکومت کردند، که زبان آنها نیز زبان سکایی و پالی و خط آنها براهیمی و سنسکرت بود. زبان سکایی نیز از جمله مادر های زبان فارسی دری است. (۲)

پنجم دولت اشکانی: یا امپراتوری پارت ها که از ۲۴۷ پیشا ترسایبی تا ۲۲۴ پسا ترسایبی در یک ساحه وسیع تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، ایران و افغانستان کنونی حکومت کردند که از عشق آباد امروزی برخاسته بودند و توسط آرشک رهبر قبایل پرنی ایجاد گردید، آرشک با متحد کردن پارتیان، و دیگر اقوام آریایی علیه سلوکیان بلخ برخاست و آن ها را شکست داد و مهرداد یکم بلخ مرکز سلوکیان را فتح کرد و یونانی ها را به سوی کابل و هندوستان به عقب راند.

دولت اشکانیان از رود فرات در عراق تا هندوکش در افغانستان امروزی را تحت سلطه خود درآوردند و امپراتوری بزرگی را در منطقه ایجاد کردند.

زبان اداری اشکانیان: حکومت اشکانیان یک حکومت مجلس محور بود که توسط مجلس مهستان رهبری می شد، بلاش یکم نخستین پادشاه اشکانی بود که خط اشکانی و زبان پارتی را که زبانشناسان آن را پهلوی اشکانی یا زبان پارتی مادر زبان فارسی می دانند، بجای زبان ودبیره یونانی و در برخی موارد همزمان با یونانی مورد استفاده قرار دادند و به کار بردند. پس زبان اشکانیان

فارسی میانه یا زبان پارسی یا پهلوی اشکانی بود ، که مادر زبان فارسی می باشد.

ششم : دوره ساسانیان : که از سال ۲۲۴ ترسایمی تا ۶۵۱ ترسایمی طی مدت ۴۲۷ سال در یک قلمرو وسیع حکمرایی کردند ، توسط اردشیر بابکان با شکست اردوان چهارم واپسین شاهنشاه اشکانی پایه گذاری شد. پایتخت آن ها شهر تیسفون بود و حاکمیت آنها در جنگ وجدال با یونانیان و اعراب یا مسلمانان در گیر بود.

شاهنشاهی ایران شهر یا ساسانیان دولت مقتدر و امپراتوری بزرگی را در منطقه تشکیل داده بودند ، که گاهگاهی قلمرو آنها تا پشاور نیز رسیده بود و نام پور شاهپور یا پشاور نیز از نام شاهپور ساسانی گرفته شده است .  
زبان اداری دولت بزرگ شاهنشاهی ساسانی : زبان دولت بزرگ شاهان ساسانی فارسی میانه یا همان پهلوی ساسانی بود ، که به خط و کتابت پهلوی و گاهی با خط یا دبیره اوستایی نامه نگاری می کردند ، زبان فارسی میانه در همین دوران در تمام قلمرو ساسانی گردش داشت و تمام آثار و کتابت به خط و زبان فارسی میانه یا پهلوی ساسانی انجام می شد.

هفتم : دوره شاهان کوشانی : دوره شاهان کوشانی بلخی که یونانی ها آنها را کوشونو یاد کرده اند یک امپراتوری باستانی به مرکزیت بلخ در افغانستان امروزی توسط یویه چی ها در سده نخست میلادی بنیان گذاشته شد که ساحه قلمرو آن ها در زمان کنشکا کدفیسوس از افغانستان ، بلوچستان ، شمال هند و بخش های آسیایی میانه مانند سغد ، خوارزم را زیر فرمان خود داشتند .  
نخستین پادشاه کوشانی کوچولو کدفیسوس ، سپس ویما کدفیسوس ، کنشکا کدفیسوس ، واسیشکا ، هویشکا و بازودیوی یکم پادشاهی کردند فرجامین پادشاه کوشانی کانیشکاه دوم در جنگ با ساسانیان شکست خورد .  
واحد پولی آن ها درخمای کوشانی بود . (۶)

کوشانیان که از اتحاد تبار های یویه چی ها به شکل اتحادیه در منطقه بلخ و تخارستان امروزی ایجاد شدند در آغاز از زبان یونانی استفاده می کردند و سپس در سال یکم میلادی بجای آن از زبان آریو یا اری کوشانی یا همان مادر زبان فارسی دری شرقی استفاده کردند ، خط و دبیره کوشانی ها در آغاز الفبای یونانی بود و سپس به الفبای خروشتی روی آوردند ، که زبان شان همان زبان فارسی میانه یا آریو مادر زبان فارسی دری امروزی بود .

کوشان شاهان یا کوشان ساسانی هند : شاخه ای از شاهزادگان ساسانی بودند که در سده های سوم و چهارم میلادی بر بلخ و سغد و شمالغربی هند فرمانروایی کردند ، زبان شان فارسی میانه بود .

کیداریان : کیداریان یا تبار کیدار پادشاهان آریایی بودند ، که پس از کوشانیان

در گستره بلخ و مناطق شمال هندوستان حکمروایی کردند . سکه های از آن ها بدست آمده است نخستین پادشاه شان کیدار شاه بود به قول پریسکی پونی تاریخ نویس ، رومیان تعهد کردند که شاهان کیداری را در برابر ساسانیان کمک مالی کنند ، مگر با آنهم از دست پیروز شاه ساسانی شکست خورد و تا قندهار امروزی عقب نشینی نمود. (۷) .

زبان شاهان کیداری : زبان فارسی میانه و مادر زبان فارسی دری بود . سکه های آنها که بدست آمده بیانگر این واقعیت است (۸).

دوره هپتالیان : یا هفتالیان ، یا هیاطله : هپتالیان از ایالت گانسوا برخاستند و در تازش بالای تخارستان و بلخ در سال ۴۲۰ ترسای کیداریان را از شمال راندند و به کمک خسرو انوشیروان ساسانی و گوک ترکها منطقه وسیع کیدانیان را بدست آوردند . با آن که شاهان مستقلی بودند ، مگر مناطق شمال آمو دریا را تحت نظارت خاقان غربی ترک و مناطق جنوبی آمو دریا را تحت نظارت ساسانیان اداره می کردند . زبان شان فارسی میانه و دولرداری آنها بر بنیاد مشوره قومی انجام می شد .

دوره کابل شاهان : که طی سده های ۷ تا ۹ ترسای یعنی در دوران حاکمیت خلفای اسلامی در کابل ، کاپیسا و تا گندهارا حکومت کردند . ، کابل شاهان به تدریج از ماوراالنهر در جنوب شرق گسترش یافتند و باختر ( بلخ ) و منطقه هندوکش را اشغال کردند و حکومت های مستقلی را در منطقه تشکیل دادند . آنها از نفوذ مسلمانان در کابل ممانعت کردند ، تا اینکه توسط یعقوب لیث صفاری تا هندوستان سند و لاهور رانده شدند و در دوران شاهان غزنوی نابود گردیدند . کابل شاهان یا تگین های ان ها به ترتیب : برهاتگین ، تگین شاه خراسان یا فرومو کسارو یا زنتبیل شاه ، پاتی دومی و لاگارتون بودند ، که لاگارتون یا رتبیل شاه توسط یعقوب لیث صفاری شکست خورد .

زبان کابل شاهان : زبان شان فارسی دری بود و آثار شان را به خط یونانی و یا خط پالی ، خط خروشتی و دیوادانشگری می نوشتند. (۹).

دولت طاهریان : از ۸۳۱ تا ۸۷۳ ترسای : نخستین دولت آریایی تبار پس از تازش اعراب بود که از تبار دهگانان یا تاجیکان خراسان بشمار می روند در آغازین سده سوم خورشیدی طاهر بن حسین از دساتیر مامون خلیفه عباسی سرپیچید و دولت مستقل خراسانی را اعلان کرد . و سه شهر عمده خراسان چون: مرو، نیشاپور و بلخ را مستقل ساخت . و توانست تا عدل و آرامش را در سراسر قلمرو خود تأمین کند .

خلیفه عباسی امارت مرو، سرخس و خوارزم را نیز به منصور بن طلحه امارت هرات را به حسین بن عبدالله ، حکومت طبرستان را به سلیمان بن عبدالله و امارت جوزجان و طالقان را به پسر عمه طاهر بن حسین واگذار گردید . پس از او محمد



بن طاهر پادشاه شد، که به دست یعقوب لیث صفاری واژگون گردید. زبان اداری دولت طاهری : دولت طاهری نخستین دولت فارسیوان یا فارسی زبان در خراسان بود ، که زبان رسمی فارسی همراه به زبان عربی در اداره دولتی آنها به کار می رفت . (۱۰)

دولت صفاریان : صفاریان که توسط یعقوب لیث صفاری در یک منطقه وسیع شامل افغانستان امروزی ، بخش های از ایران ، تاجیکستان ، ازبکستان ، ترکمنستان و پاکستان امروزی تحت فرمان خود داشتند ، و ریشه و نصب آن ها به شاهان کیدانی و پیشدادی می رسد . افتخار بزرگ تمدن و زبان فارسی است ، طوری که یعقوب لیث دستور داد ، که در قلمرو او تنها زبان فارسی رسمیت داده شود و از کاربرد زبان عربی در دفتر و دیوان خود جلوگیری نمود . همو است که به رییس دیوان خود دستور داد که شعر به زبانی بگوید ، که او می داند ، اگر کسی در کاخ او به زبان عربی سخن می راند ، او را مجازات می کرد . یعقوب طی ۱۸ سال پادشاهی خود شهنشاهی بزرگی را بنیاد نهاد و آخرین پادشاه کابل شاهان را تا سند راند و حاکمیت خود را در مرز هند رسانید .

دوره شاهان صفاری که از ۲۴۰ تا ۳۸۱ خورشیدی دوام کرد پر افتخار ترین دوره زبان و اب فارسی است . فارسی امروزی با الفبای کاربردی امروزی آن از همان دوران تا امروز در قلمرو وسیع و گسترده منطقه کاربرد دارد واپسین پادشاه صفاری خلف بن احمد بود که با درود ودریغ با توطیه ترکان نابود گردید .

دولت سامانیان : شاهان سامانی که از ۸۱۹ تا ۹۹۹ ترسایی در یک ساحه وسیع از خراسان بزرگ شامل ماورا النهر ، بر تمام افغانستان امروزی ، تاجیکستان ، ایران ، ترکمنستان ، ازبکستان ، قرقیزستان ، قزاقستان ، و پاکستان امروزی پادشاهی کردند ، افتخار تمدن زبان فارسی و تاجیک است ، نخستین پادشاه این خانواده احمد بن اسد و فرجامین شان عبدالملک دوم سامانی بود ، در این دوره هویت و تمدن آریایی دو باره باز گشایی شد ، شاعران بزرگ زبان فارسی چون رودکی رابعه بلخی و دیگران در این دوره پدیدار شدند .

زبان اداری دولت سامانیان فارسی و عربی بود ، در قلمرو خود فارسی و در نامه ها با خلافت به زبان عربی مکاتبه می کردند .

سلسله غزنویان : سلسله غزنویان که از ۹۷۷ تا ۱۱۸۷ ترسایی توسط الپتگین پی گذاری شد ، الپتگین از قبیله بارسغان بود ، مرکز این سلسله شهر غزنی افغانستان بود پادشاه مقتدر این دوره سلطان محمود غزنوی بود که دین اسلام و زبان فارسی را تا دهلی هندوستان رسانید .

زبان رسمی و اداری غزنویان در قلمرو شان تنها یک زبان فارسی رسمیت داشت و اغلب شاعران و نویسندگان این دوره به زبان فارسی شعر سرودند و کتاب نوشتند .

امپراتوری سلجوقیان : یک امپراتوری ترکتبار با فرهنگ ترکی و فارسی بودند ، که توسط ایل فنیق ترکان اغور در سال ۱۰۳۷ ترسای توسط طغرل بیک بنا نهاده شد ، گستره سلطنت آنها از فلات اناتولیا تا سلسله کوه های هندوکش از شمال تا آسیای مرکزی و از جنوب تا خلیج فارس می رسید، با پیروزی بر شاهان بیزانس در نبرد ملازگرد ، اناتولیا را تصرف کردند و در دوران طغرل بیک در کل رهبری جهان اسلام را بدست گرفتند و خلافت عباسی را به حاشیه راندند. زبان اداری و رسمی سلجوقیان فارسی ، زبان مادری شان ترکی ، و زبان علمی شان عربی بود.

دوره شاهان غوری : سلطنت غوری یا غوریان و یا شنسبانیان دودمان تاجیک فارسیوان که از ۱۱۴۸ تا ۱۲۱۵ ترسای به سر زمین های شرقی افغانستان امروزی ، پاکستان ، و هندوستان پادشاهی کردند مرکز آن ها شهر غور افغانستان امروزی بود پادشاهی آنها از گرگان ایران امروزی تا لاهور در شرق گسترش داشت نخستین پادشاه آنها علا الدین جهانسوز و فرجامین آنها قطب الدین ایبک بود که توسط مغول ها برداشته شد. به گفتاورد کلیفورد آدموند باسورث تاریخ دان و خاور شناس انگلیسی که چنین آورده است : (( ما در باره قومیت غوریان به طور کلی و شنسبانیان به طور خاص نمی دانیم ما تنها می توانیم فرض کنیم که آنها ایرانی شرقی یعنی تاجیک بودند.)) (۱۱).

زبان درباری ، رسمی و اداری غوریان تنها یک زبان فارسی دری بود (۱۲). دولت خوارزمشاهیان : خوارزمشاهیان که از دودمان ترک تبار با فرهنگ و زبان فارسی بودند از ۱۰۷۷ تا ۱۲۳۱ ترسای در یک ساحه وسیعی حکمرانی کردند . این سلسله توسط غلامان ترک پی نهاده شدند که بر ایران ، آسیای میانه و برخی از افغانستان امروزی حکومت کردند، بنیانگذار این سلسله انوشتگین بود که در سال ۱۰۷۷ ترسای به عنوان شحنه یا حاکم خوارزم از سوی ملکشاه سلجوقی گماشته شد، مورخان سده های میانه چون : حافظ ابرو و رشید الدین فضل الله همدانی آنها را از تبار قبيله بیکدلی از ترکان اوغور شناسایی می کنند در حالی که کافسوغلو مورخ ترک انوشتگین را از خلیج های یا غلجی یا چگل معرفی می کند ، مورخ دیگر باشقر ترکی انوشتگین را از تبار قبچاق های قانگلی می شناساند (۱۳). آخرین پادشاه این خانواده جلال الدین منکبرنی پس از شکست های پیاپی در جنگ با چنگیز در فرجام توسط کرد ها در اطراف شهر میا فارقین دیار بکر کشته شد و سلسله خوارزمشاهیان به پایان می رسد. زبان رسمی ، اداری و دولتی خوارزمشاهیان با آنکه ترک بودند ، زبان شان فارسی دری بود (۱۴).

تازش چنگیز بر خراسان: چنگیز خان در سال ۶۱۷ مهتابی پسر خود تولی خان

را به فتح خراسان مامور ساخت تولى خان از مرو تا سبزوار هرات را اشغال کرد و تمام شهرها را به آتش کشید.

چنگیز خان در سال ۶۱۹ مهتابی خودش شهرهای طالقان، بلخ، جوزجان، را فتح کرد، در این هنگام جلال الدین به پروان گریخت، پسران چنگیز به کمک چنگیز آمدند، بامیان را محاصره کردند، در این جنگ موتوجن نواسه دوست داشتنی چنگیز، پسر جغتای بدست یکی از اهالی شهر بامیان کشته می شود، چنگیز پس از فتح بامیان دستور داد که افزون بر مردم، جانواران، و تمام موجودان زنده این شهر را بکشند و شهر را به خاک یکسان کنند. سپاهیان چنگیز شهر نیم ملیونی بامیان را چنان ویران و نابود کردند. تا دیگر کسی نتواند در آنجا سکونت کند (۱۵).

دوره امپراتوری مغول: امپراتوری بزرگ مغول که طی سده های ۱۳ و ۱۴ ترسایى برای مدت ۱۶۳ سال حکومت کردند از مغولستان امروزی آغاز و تا اروپایی شرقی می رسید. یک ساحه وسیع ۳۳ ملیون کیلومتر مربع ساحه یعنی ۲۵ درصد کره زمین را تحت پوشش خود قرار داده بودند و جمعیتی بالغ بر صد ملیون انسان آنوقت را در بر می گرفت. این حاکمیت سپس توسط خانان جغتای، اردوی زرین، ایلخانیان و دودمان یوان به تدریج به اضمحلال و در سال ۱۳۶۸ ترسایى به کلی از میان رفت. شاهان مغولی به تدریج: چنگیز خان، اوگتای خان، گوک خان، منگو قان، قوبلای خان و طغون تیمور خان حکومت کردند

زبان دوره مغولان در آغاز مغولی بود مگر در دوران شاهان ایلخانی و تیموری به زبان فارسی مبدل شد. و شاهان امپراتوری مغولی هند زبان اداری شان تنها یک زبان فارسی بود.

دوره تیموریان هرات: از ۱۳۷۰ تا ۱۵۰۶ ترسایى در یک ساحه بزرگ و وسیع حکمروایی کردند، بنیانگذار این دودمان امیر تیمور گورگانی بود که نسبش به چنگیز خان می رسد، واز تبار ترکی مغولی برلاس بود، ساحه قلمرو او در سرتاسر آسیای میانه، خراسان و بخش های از هندوستان رسید، پس از مرگ تیمور ترکان عثمان و آل جلایر و ترکمانان در صدد تصرف قلمرو او گردیدند، مگر فرزندان او توانستند که خراسان و بخش بزرگ ایران تا مرزهای هندوستان را در تصرف خود داشته باشند و دولت بزرگ تیموریان هرات را شاهرخ میرزا ایجاد کرد. سپس سلطان حسین بایقرا پادشاه شد و در فرجام. آخرین پادشاه تیموریان بدیع الزمان مرزا توسط شیبک خان ازبک با فتح هرات از میان برداشته شد.

در این دوره که به حق آن را دوره رنسانس شرق می نامند، به فرهنگ و ادب و نقاشی، رسامی اهمیت بسزای داده شد، زبان فارسی به مثابه زبان رسمی واداری و به زبان ترکی جغتایی به مثابه زبان خانوادگی توجه لازم صورت گرفت

و شاعران و خوشنویسان و نقاشان برجسته در این دوره چون مولانا جامی ،  
میر خوند ، خوند میر امیر علی شیر نوایی و دیگر دانشمندان پدیدار شدند .  
زبان اداری و رسمی این دوره زبان فارسی دری بود. (۱۶)  
امپراتوری گورگانیان :

امپراتوری گورگانی هند یا دولت مغولیه بزرگ هند یک امپراتوری پارسی زبان ،  
ترک یا مغولتبار مسلمان با فرهنگ زبان و ادبیات فارسی بود ، که در تاریخ جهان  
به گونه نمونه فرهنگ دگر پذیری و دگر اندیشی را رعایت کردند ،  
گورگانیان توسط بابر که شاهزاده تیموری بود واز توران ترکستان برخاسته بود  
تاسیس شد ، بابر از نسل امیر تیمور گورگانی بود ، البته واژه گورگانی در زبان  
مغولی به معنی داماد است و ارتباط دامادی با جغتای دومین امپراتور مغول و  
فرزند چنگیز خان بود .

بابر در سن چهارده سالگی همراه شیبان خان راهی جنوب شد و در کابل جای  
گرفت سپس به افغانستان یعنی تنگه خیبر سوی هند شتافت او نخست در سال  
۱۵۲۶ ترسایبی در نبردی موفق به فتح پانی پت شد و ابراهیم لودی راشکست  
داد . پس از او همایون فرزندش توانست تا وحدت را در امپراتوری هند برپا  
کند ، پس از همایون اکبر کبیر به حکومت رسید ، اکبر با استفاده از سیاست  
مدارا امپراتوری خود را در هند گسترش داد . اکبر به برخی از قوانین اسلامی  
خط بطلان کشید و با نزدیک کردن هندویسم و اسلام طریقه وحدت الوجودی را به  
میان آورد ، این سلسله از سال ۱۵۲۶ تا ۱۸۵۷ ترسایبی برای مدت ۳۳۱ سال  
پادشاهی کردند و تا دوران احمد شاه درانی یعنی تا سال ۱۷۴۷ ترسایبی کابل  
و غزنی برای مدت ۲۲۱ سال مربوط حکومت دهلی بود ،  
زبان رسمی ، اداری ، دولتی مغولان هند زبان فارسی بود و در دوران این شاهان  
زبان فارسی از بنگله دیش تا غزنی و از غزنی تا مرز عراق دولت صفوی و در  
تمام قلمرو شاهان عثمانی و شاهان شیبانی تنها و تنها یک زبان آنهم فارسی  
زبان رسمی بود. (۱۷)

دوره شاهان هوتکی :هوتکیان که از سال ۱۰۸۷ تا ۱۱۱۶ خورشیدی بر خراسان  
پیشین یا افغانستان امروزی حکومت کردند از تبار غلجی یا خلجی بودند که در  
قندهار به پادشاهی رسیدند .موسس این سلسله میرویس خان فرزند شاه عالم  
خان بود که علیه گرگین خان حاکم قندهار شورش کرد و سپاه صفوی را در یک  
روز شکست داد پس از میرویس خان برادرش عبدالعزیز خان خود را پادشاه  
اعلان کرد ، مگر میر محمودپسر میرویس خان او را کشت و خودش پادشاه شد ،  
شاه محمود پس از تثبیت پادشاهی در سال ۱۷۲۱ ترسایبی با ۲۸ هزار سرباز به  
اصفهان پایتخت صفوی تازید و اصفهان را فتح کرد ، او پس از سه سال  
پادشاهی فوت نمود و بجای او میر اشرف پادشاه شد ، شاه اشرف نیز سرانجام

توسط نادر قلی یا نادر افشار در سال ۱۷۲۵ کشته شد و سلسله هوتکیان که برای سیزده سال دوام کرد به سرعت از میان رفت. زبان رسمی، درباری و اداری شاهان هوتکی یک زبان و آنهم فارسی بود، آثار بجای مانده از دوره هوتکیان تنها به یک زبان، آنهم فارسی است. (۱۸)

دوره پادشاهی نادر افشار: نادر شاه (۲۸ محرم سال ۱۱۰۰ هجری قمری تا ۱۱۶۰ هجری قمری) پایه گذار دودمان افشار است که از سال ۱۱۴۸ تا ۱۱۶۰ به عنوان پادشاه ایران و خراسان حکومت کرد و هوتکیان، عثمانیان و روس ها را از سرزمین ایران و خراسان پیشین بیرون کشید، و دهلی را فتح کرد از او به سبب شهرت بسیار دلیرانه اش به ناپلیون شرق و آخرین فاتح بزرگ آسیا نام می برند، ساحه قلمرو او از عراق تا دهلی ادامه داشت و طی ۱۲ سال پادشاهی نماد عالی قدرت و پیروزی بود.

زبان دولتی، اداری و رسمی دوره شاهی افشاریان زبان فارسی دری بود و غیر از فارسی دری هیچ زبانی در دولت او وجود نداشت. (۱۹)

دوره شاهان درانی: که به نام سلطنت سدوزایی ها نیز یاد می شود دولتی بود که در سده های هژدهم و نوزدهم بر بخش های از آسیای میانه و جنوب آسیا فرمان راند این دولت که پس از کشته شدن نادرشاه افشار توسط احمد خان درانی ایجاد شد دومین امپراتوری جهان اسلام در نیمه دوم سده هژدهم بود که حدود قلمرو آن از هرات تا دهلی و از آمو دریا تا دریایی عرب گسترش داشت.

این حکومت شامل کشور های افغانستان امروزی، پاکستان قسمت های کوچک از کشور ها ایران، ترکمنستان، هند امروزی را نیز در بر می گرفت.

به گواهی تاریخ پس از مرگ نادرشاه افشار در ۱۱۲۶ خورشیدی برابر به ۱۷۴۷ ترسایی، احمد خان درانی یا ابدالی که مسوول گارد شاهی نادرشاه افشار بود به سرعت خود را به قندهار رسانید و خود را پادشاه اعلان نمود، به گفتاورده تاریخ احمد شاهی محمود الحسینی، حریفان خود را خلع سلاح و نابود کرد و دولت مقتدر ابدالی را بنیاد نهاد. احمد خان خود را احمد شاه نامید و پس از آن که پادشاهی خود را مستحکم ساخت رو به غرب نهاد و بر هرات و مشهد که در اختیار شاهرخ افشار بود چیره شد. سپس ارتشی را به سوی شمال هندوکش و مناطق بدخشان و باختر و بلخ فرستاد و در مدت کوتاهی آنها را فتح کرد.

سپس روی به شرق نهاد و چهار مرتبه به هندوستان لشکر کشید و کشمیر و پنجاب را فتح نمود او در نبرد پانی پت دهلی را تصرف کرد، گروه مرهته را تیت و پاشان نمود و به پادشاه گورگانی اجازه داد تا دهلی را در اختیار داشته باشد، مگر از خیال دست درازی به پنجاب و کشمیر خود داری کند.

پس از مرگ احمد شاه پسرش در سال ۱۷۷۳ پادشاه شد و پایتخت را از قندهار به کابل انتقال داد در حالی که پشاور پایتخت زمستانی او بود.

پس از تیمور شاه دولت درانی دستخوش خانه جنگی های فرزندان او شد در فرایند ، دولت مقتدر درانی پارچه ، پارچه شد و پنجاب ، کشمیر ، پشاور و مشهد یکی پی دیگری از تسلط شان خارج گردید .

طی خانه جنگی های برادران سدوزایی ، خانواده محمد زایی تحت ریاست امیر دوست محمد خان نیرومند شد و در فرجام پس از جنگ های طولانی قدرات را در کابل بدست گرفت . و به پادشاهی خانواده درانی پایان داد .

زبان اداری دولت درانی : اسناد و مدارک آرشیف ملی و دو کتاب بزرگ تاریخ احمد شاهی و تاریخ گنداسنگه بیانگر آنست که در دوران شاهان سدوزایی زبان اداری و رسمی دولت یک زبان و آنهم تنها زبان فارسی بود .

حتا با دولت هند برتانوی و روس نیز به زبان فارسی مکاتبه کرده اند . (۲۰)

دولت محمد زایی : با به قدرت رسیدن امیر دوست محمد خان در سال ۱۸۲۶ ترسایی که کابل را فتح کرد و خود را امیر دوست محمد نامید و نخستین بار واژه پادشاه را به امیر مبدل کرد که تا آخرین پادشاه این خانواده یعنی امیر امان الله خان واژه پادشاه که پیش برین تا شجاع الدوله یا شاه شجاع پیش نام شاهان بود به امیر مبدل شد . جزء پیش نام پادشاهان محمد زایی گردید .

دوران شاهان محمد زایی یا امیران محمد زایی که همه در جنگ با انگلیس ها ، جنگ با برادران ، پسران کاکا و داوطلبان شاهی سپری شد ، بدترین دوره شاهی در افغانستان کنونی است . اگر تعداد جنگ ها و کشته شدن جوانان را که درجنگ ها میان امیر دوست محمد خان ، با امیر محمد اعظم خان ، امیر شیرعلی خان ، امیر محمد افضل خان ، امیر محمد یعقوب خان ، و امیر عبدالرحمان خان و همچنان جنگ های برادران وزیر فتح خان با فرزندان تیمور شاه چون ، شاه محمود ، شاه زمان ، شاه شجاع و غیره را بشماریم از صد ها هزار نفر تجاوز می کند ، یعنی در یک سرزمین کوچک طی یک سده هزار ها جنگ موجب نابودی اقتصاد و نیروی بزرگ بشری در این سرزمین گردیده بود .

افزون برخانه جنگی های برادران سدوزایی و محمد زایی دو نبرد با نیرو های متجاوز انگلیس ، جنگ با رنجیت سنگهه ، جنگ با یارمحمد خان و قشون ایران و غیره را اگر بشماریم بدترین تلفات انسانی را در کشور های جهان در افغانستان رقم خواهد خورد که به یک پژوهش ویژه تاریخی نیاز دارد .

زبان رسمی و اداری دوره محمد زایی ها : آثار بجا مانده در آرشیف ملی و کتاب های تاریخی چون : افغانستان در مسیر تاریخ میر محمد غبار و افغانستان در پنج قرن اخیر اثر میر محمد صدیق فرهنگ ، تاریخ خط نوشته های کهن افغانستان از عصر قبل التاريخ تا کنون اثر پوهاند عبدالحی حبیبی و دیگر آثار چاپی در افغانستان می رساند ، که تمام اسناد اداری و دولتی شاهان محمد زایی و نامه های شخصی و دولتی و تمام مکاتبات و ثبت اسناد در دفاتر این

دوره تنها و تنها به زبان فارسی بود حتی شمس النهار ، تاج التواریخ سراج الاخبار افغانیه و دیگر نشرات این دوره همه به زبان فارسی بودند. (۲۱، ۲۲، ۲۳).  
دوره پادشاهی امیر حبیب الله کلکانی : امیر حبیب الله خان کلکانی رهبر جنبش سقاوی در سال ۱۹۳۹ میلادی بر اثر اغتشاش مردم و با استفاده از فرصت دولت امیر امان الله خان آخرین پادشاه محمد زایی را شکست داد و کابل را تصرف نمود و مدت ۹ ماه پادشاه افغانستان گردید و خود را به نام امیر حبیب الله خادم دین رسول الله پادشاه افغانستان اعلام کرد. حبیب الله کلکانی نخستین پادشاه تاجک تبار پس از سه صد سال در افغانستان بود که به قدرت رسید.  
قانون اساسی و مالیه دولتی را ملغی قرار داد و بر طبق شریعت اسلامی امور دولت داری را به پیش برد، که این مساله موجب فشار شدید اقتصادی بالای دولت او گردید . نادرخان با اغتنام فرصت با برادران خود و به کمک قبایل جاجی و منگل امیر حبیب الله کلکانی را شکست داد و علی الرغم تعهد در قران او و یاران او را اعدام کرد .

زبان رسمی واداری دولت حبیب الله کلکانی : تمام امور اداری و دولتی او به زبان فارسی انجام می شد و هیچ سندی به غیر از زبان فارسی در ادارت دوره او وجود ندارد.

دوره شاهی نادرخان و ظاهر شاه :

نادرشاه : نادر خان نواسه سردار یحیی خان خسر امیر یعقوب خان بود و نسبت نزدیکی که با یعقوب خان داشتند ، نخست به امرتسر و سپس در دیره دون هند تبعید شدند . یحیی خان دو پسر داشت به نام های آصف خان و یوسف خان ، سردار یوسف خان سه بانو داشت و سه پسر محمد نادر شاه ، شاه محمود و شاه ولی خان . محمد نادر خان در ۱۸۸۳ در دیره دون هند به دنیا آمد و هژده سال عمر خود را در دیره دون هندوستان سپری نمود و زبان های هندی ، فارسی و انگلیسی را آموخت . او زبان پشتو را نمی دانست. در سال ۱۹۰۱ بنا بر خواهش یوسف خان و توافق امیر عبدالرحمان خان به افغانستان آمدند و در باغ بالا اقامت گزیدند .

نادر خان بنابر مناسبات وسیع سیاسی به رتب نظامی تا سپه سالاری نایل شد. و هنگام قتل امیر حبیب الله خان در گله گوش بود .

پس از سقوط امیر امان الله خان به کمک انگلیس و سپاهیان منگل و جاجی و با سوگند در قران کابل را از امیر حبیب الله کلکانی بدست آورد و او را با تمام وزیران و کابینه اش اعدام کرد.

در دوران پادشاهی او توجه به فرهنگ و زبان فارسی صورت گرفت و انجمن ادبی کابل را ایجاد کرد،

پس از مرگ او و در دوران پادشاهی ظاهر شاه و نخست وزیری یا صدراعظمی

سردار محمد هاشم خان و با نفوذ محمد گل خان مهمند نخست نام انجمن ادبی کابل به پشتو تولنه تغییر پذیرفت و پس از آن برای مدت نه سال برای نخستین بار مکاتب و ادارات به زبان پشتو شدند. در سال دهم بنابر تقاضای نجیب الله تورویانا وزیر تعلیم و تربیه وقت و صدارت سردار شاه محمود خان مکاتب و ادارات دو باره به زبان فارسی مگر اینبار به نام زبان دری برگشته شده شد.

نجیب الله تورویانا که خودش پشتون بود سر خود را نزد محمد ظاهر شاه پادشاه وقت لچ نمود و اظهار داشت ، که دانش و فرهنگ در کشور و در مکاتب به صفر تقرب نموده است ، خواهشند است تا اجازه دهند که مکاتب و سیستم اداری کشور دوباره به زبان فارسی تغییر بخورد.

از آن زمان تا ختم دوره خانواده مصاحب یعنی جمهوریت محمد داوود خان مکاتب و ادارات دولتی به دو زبان فارسی و پشتو شد.

این وضع دوزبانه تا رویداد هفت ثور ادامه داده شد

دوره ریاست جمهوری نور محمد ترکی و حفیظ الله امین :

بر اثر رویداد هفت ثور سال ۱۳۵۷ خورشیدی که توسط ارتشیان یا نظامیان حزب دموکراتیک خلق افغانستان انجام و داوود خان رییس جمهور وقت با خانواده اش از میان رفت ، تحولات قابل ملاحظه در زمینه های سیاسی کشور رونما گردید.

نور محمد ترکی پس از یک دوره کوتاه از ۱۹۷۸ تا ۱۴ سپتمبر ۱۹۷۹ منشی عمومی و رییس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان بود و در دوران او اثر فرامین هفتگانه یک سلسله تغییرات در سیستم اصلاحات ارضی و اداری کشور رونما گردید. مذکور به تاریخ ۱۴ سپتمبر سال ۱۹۷۹ توسط حفیظ الله امین خفک و بجای او خودش منشی عمومی کمیته مرکزی و رییس شورای انقلابی گردید.

زبان اداری و دولتی این دوره : زبان رسمی و اداری و نامه ها اغلب به زبان فارسی بودند ، مگر سرود ملی ، و فرامین اغلب به زبان های فارسی و پشتو مگر به نام زبان دری انجام می شد ، در این دوره به خاطر فارسی ستیزی یک سلسله اقدامات ناسنجیده به شمول تغییر نام های وزارت ها و بخش ها انجام شد.

دوره ببرک کارمل : حفیظ الله امین که تحصیل کرده امریکا بود به خاطر ظلم و دستگیری های که انجام داد. حزب دموکراتیک خلق به دوبرخس پرچم و خلق جدا شد و اغلب رهبران پرچمی ها را زندانی و یا به خارج از کشور تبعید نمود ، در فرایند آن رهبران بخش پرچم خاموش ماندند و با استفاده از تربیون های احزاب کمونیست و کارگری علیه سیاست های حفیظ الله امین موضعگیری نمودند ، که در فرایند آن از اثر دخالت قوای اتحاد شوروی وقت و سازماندهی داخلی بخش پرچمی ها و خلقی های مخالف امین ، امین سقوط کرد و بجایش



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی و رییس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان گردید.

در دوره ریاست جمهوری ببرک کارمل توجه بسیار شگرف به امور زبانی و فرهنگی و چاپ کتاب در کشور انجام شد، برای نخستین بار سرود ملی به زبان فارسی شد، و در اخبار تلویزیون که همیشه خبرها نخست به زبان پشتو بود به زبان فارسی انجام شد، نام‌های تمام وزارت‌ها دو باره به زبان فارسی گردیدند، فرامین دولت اغلب به زبان فارسی نگاشته و نشر می‌شدند، نام‌های فارسی بجای نام‌های پشتو در ادارات عملی شد چنانکه پرورشگاه وطن بجای مرستون و واژه‌های ناب فارسی چون: کارگر، کارمند، کارشناس و دیگر واژه‌ها اغلب بجای واژه‌های عربی و پشتو در ادارات دولتی مروج گردید، امور اداری دولت تنها به زبان فارسی انجام می‌شد.

چاپ هزارها عنوان کتاب و مجلات تنها به زبان فارسی، و نشر اغلب روزنامه‌ها به زبان فارسی چاپ می‌شدند.

تا اینکه بنابر برخورد فارسی‌گرایی شدید در ادارات دولتی دکتر نجیب الله با دوستان‌شان و در توافق با اتحاد شروی وقت ببرک کارمل را سبکدوش کردند و دکتر نجیب الله بجای او گماشته شد.

دوره دکتر نجیب الله: دکتر نجیب الله که از تبار پشتون و به قوم احمدزی تعلق داشت، یکبار دیگر با توجه به وضع زبان‌های کشور، گرایش جدی به زبان پشتو نشان داد سرود ملی را دوباره به زبان پشتو ساخت و به منظور نیرومند شدن همزبانان خود صلاحیت‌های زیادی به پشتون‌ها داد. زبان اداری دوره دکتر نجیب الله: در این دوره علی‌الرغم میل دکتر نجیب الله به زبان پشتو، اغلب فرامین و نامه‌ها به زبان فارسی و پشتو انجام می‌شدند، کارت عضویت حزب و شناسنامه یا تذکره تابعیت از فارسی به زبان پشتو تغییر خورد، مگر چاپ کتاب و مجلات مانند گذشته اغلب به زبان فارسی انجام می‌شدند.

دوره حاکمیت مجاهدان: پس از پیروزی مجاهدان در ثور سال ۱۳۹۲ و ریاست جمهوری پروفیسور برهان الدین ربانی: اوضاع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور در حال زار و ابتر قرار گرفت، جنگ‌های داخلی میان احزاب اسلامی و به ویژه راکت باران شهر کابل توسط حزب اسلامی گلبدین حکمتیار، موجب مرگ هزارها باشنده شهر و ویرانی ۹۰ درصد شهر کابل گردید. در این دوره نیز به زبان فارسی رویکرد و توجه ویژه مبذول شد و اغلب فرامین و نامه‌ها به زبان فارسی نگاشته می‌شدند و حتی نام لویه جرگه که یک ترکیبی از زبان‌های مغولی و ترکی است (واژه لوی و امواژه مغولی است و به معنی ماهی بزرگ که در زبان پشتو به معنی بزرگ شده است، واژه یورگه یا جورگه که

در زبان پشتو جرگه شده است نیز و اماواژه ترکی است و در زبان پشتو وام شده و به گونه جرگه به معنی مجلس تغییر خورده است.) به (مجلس اهل حل و عقد) عربی تغییر خورد.

حاکمیت دور نخست طالبان: طالبان که در سال ۱۹۹۶ پس از شکست دولت مجاهدین ( مجاهدان) و ترور احمد شاه مسعود قهرمان ملی کشور توانستند که تا استان های بدخشان پیشروی کنند ، و کابل را بدست آوردند ، به گفتاورد خانم بینظیر بوتو صدواعظم پیشین پاکستان توسط وزارت داخله پاکستان به منظور رسانیدند ، مال التجاره پاکستان به کشور های آسیایی میانه ، ایجاد شدند ، نخست شاهراه کابل هرات و سپس کابل تا تورغوندی را تصرف کردند ، سپس چون دولت مجاهدان مصروف ضد و خورد داخلی بودند ، توانستند تا به گونه غیر مترقبه چهارآسیاب کابل را که مرکز فرماندهی حزب اسلامی گلبدین حکمتیار بود ، با یک خیزش و سازش فتح کنند و حزب اسلامی را متواری سازند.

احمد شاه مسعود با به دیده داشتن این وضع با تمام قوای خود به سوی دره پنجشیر و سپس به استان یا ولایت تخار عقب نشینی نمود. در شمال نیز نیرو های دوستم و حزب وحدت که گاهی در تفاهم و گاهی در جنگ با نیرو های شورای نظار و جمعیت اسلامی مصروف بودند و با تسلیم شدن جنرال ملک به طالبان از استان های بلخ و سرپل و فاریاب عقب نشینی نمودند ، در فرایند ، طالبان توانستند ، تا شهر های مزار ، شبرغان و جوزجان را نیز متصرف شوند و در جنگ با جمعیت اسلامی به سوی تخار پیشروی کنند. با ترور احمد شاه مسعود توسط دو خبرنگار غربی ، زمینه پیروزی طالبان به شمال فراهم شد.

در این فرصت القاعده به رهبری اسامه بن لادن ملیاردرب عرب سعودی که در نخست به منظور مبارزه با اتحاد شوروی و کمونیسم توسط CIA اتلجنت سرویس و ISI پاکستان دستگاه اطلاعات عمومی عربستان سعودی (GIP) در تباری با سازمان های استخباراتی فرانسه و آلمان ایجاد شد ، موضعگیری ضد امریکایی پیدا نمود و با ایجاد گویا رویداد یازدهم سپتمبر سال ۲۰۰۱ آسمانخراش های نیویارک را سقوط داد.

ایالات متحده امریکا از امارت اسلامی طالبان خواست تا بن لادن را به امریکا تسلیم کند ، مگر طالبان تحت رهبری ملا محمد عمر رهبر وقت طالبان از این دستور امریکا سرپیچی نمود و در فرایند ایالات متحده امریکا با بمباردمان نیرو های طالبان و با استفاده از کمک نیرو های شمال یا ( نورد الیانس) که شامل جمعیت اسلامی ، جنبش اسلامی دوستم و حزب وحدت بود ، طالبان را در شمال و مرکز نابود کردند و قدرت را دوباره به جمعیت اسلامی سپردند.

به گفتاورد نیویارک تایمز ایالات متحده امریکا مبلغ ۱۰۰ میلیون دالر پول نقد و اسلحه در اختیار رهبران نیروهای شمال قرار داد ، که با استفاده از آن رهبران این احزاب چون : مارشال فهیم ، استاد عطا ، محقق ، مارشال دوستم و دیگران ملیونرها شدند و از این پول های باد آورده صاحب ساختمان ها و شرکت ها گردیدند. البته ملیونر شدن این ها استفاده از بودجه دولتی نبود که امروز اغلب آنها را متهم به استفاده جویی از دارایی عامه قلم داد می کنند ، نادرست است. در این وقت امریکا در بن کنفرانس بن را به راه انداخت که با تهدید های زللی خلیل زاد که در آنوقت نشست بن را به نمایندگی از ایالات متحده امریکا در اختیار دشت ، حامد کرزی را رییس جمهور موقت یا عبوری در افغانستان ساخت .

زبان اداری امارت اسلامی دور نخست طالبان :

در دوره سال های میان ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ ترسایمی حاکمیت طالبان به جنگ سپری شد و زمینه تحکیم حاکمیت امارتی آنها فراهم نشد ، مگر با آنها در کابل اغلب فرامین و دساتیر ملا محمد عمر رهبر طالبان به زبان پشتو بود ، مگر نامه های اداری دولتی به زبان فارسی بود . دروس دانشگاه ها و مکاتب مناطق فارسی زبان به زبان فارسی و از مناطق پشتو زبان به زبان پشتو انجام می شد .

دوره حاکمیت جمهوریت :

پس از سرکوبی طالبان در سال ۲۰۰۱ ترسایمی توسط ایالات متحده امریکا ایجاد یک دولت با ویژگی های نسبی دموکرتیک و هزینه نزدیک به ۱۳۲ میلیارد دالر به منظور باسازی افغانستان تنها از سوی ایالات متحده امریکا دگرگونی های چشمگیری در بخش های فرهنگی کشور رونما گردید ، به گونه نمونه در بخش آموزش و پرورش یا تعلیم و تربیه تا سال ۲۰۰۱ در افغانستان تنها ۳۴۰۰ آموزشگاه یا مکتب وجود داشت که طی دو دهه به ۱۴ هزار مکتب و آموزشگاه افزود شد .

در بخش آموزش دانشگاهی تا سال ۲۰۰۱ در کشور تنها سه دانشگاه در کابل ، یک دانشگاه در ننگرهار ، یک دانشگاه در بلخ و یک دانشگاه در هرات وجود داشت که دو دانشگاه اخیر در دوره ریاست جمهوری ببرک کارمل ساخته شده بود ، در این دوره نزدیک به ۳۴ دانشگاه دولتی و ۹۳ دانشگاه و موسسات دانشگاهی خصوصی تازه ساخته شد و در هر استان گویا یک دانشگاه جدید به دیده نگریسته شده بود .

ایجاد انجمن های ادبی و فرهنگی ، برپایی نشست های ادبی ، شعر و سروده سرایی . داستان خوانی و طنز پردازی در کشور به سرعت رشد نمود . ایجاد رسانه های گروهی ازاد کشور از یک تلویزیون ملی به ۳۸ تلویزیون ازاد ، چون : طلوع ، آریانا ، ، آرزو . آینه ، باختر و غیره و رسانه های ازاد چاپی ،

هفته نامه ها و ماهنامه ها و غیره نزدیک به ۵۰۰ نشریه می رسید. در مورد چاپ کتاب در داخل کشور می توان گفت که در این بخش از کشور های ایران و تاجکستان افغانستان از لحاظ کیفیت چاپ سبقت جسته بود. در زمینه آزادی مطبوعات و رسانه ها می توان به جرأت بیان داشت که افغانستان نسبت به تمام کشور های اسلامی در جایگاه برانزده قرار گرفته بود و حتی می توان آزادی رسانه ها را در آن دوره با کشور های اروپایی همسان پنداشت.

در این دوره با درد و دریغ با جعل و فریب در انتخابات ریاست جمهوری و با بقدرت رسیدن دکتر اشرف غنی به حیث رییس جمهور، حاکمیت دولتی در برابر طالبان آگاهانه و سازماندهی شده تضعیف گردید و اشرف غنی با گرایش های شدید تباری که داشت، زمینه آمدن طالبان را فراهم کرد و سازشنامه دهه که توسط خلیل زاد آماده و با طالبان به دستینه یا امضای رسید موجب شد تا طالبان دوباره به قدرت برسند.

زبان اداری دوره جمهوریت :

در دوره نخست و سرپرستی حامد کرزی بدبختانه در نشست قلبی لویه جرگه نام زبان فارسی در افغانستان به زبان دری تغییر خورد که موجب شد تا تاریخ هزار ساله زبان فارسی از این کشور جدا شود.

همچنان با گرایش های شدید تباری در کشور بنا بر سیاست های نادرست هردو رییس جمهور کرزی و غنی موجب شد تا بالای نامگذاری های پوهنتون و دانشگاه اختلافات جدی زبانی در داخل کشور پدیدار شود.

بویژه در دوره ریاست جمهوری غنی که به مسایل قومی و زبانی شدید دامن زده شد، در کشور بحران هویتی و فرهنگی و به ویژه با شامل کردن ملت افغان در شناسنامه ها جدال های جدید در داخل کشور زمینه های اختلافات تباری به بالاترین مرحله خود رسید.

با آن که اغلب فرامین به زبان های فارسی و پشتو نشر می شد، مگر قوانین و نامه های اداری دولتی به طور کل به زبان فارسی بود.

دوره دوم حاکمیت امارت اسلامی طالبان :

دولت حامد کرزی به گفتاورد جان کری وزیر خارجه سابق ایالات متحده امریکا که در کتاب مشهورش *Every Day Is Extra* von John Kerry نگاشته است که: حامد کرزی رییس جمهور پیشین افغانستان در یک نشست خصوصی بمن گفت: که دشمن ما طالبان نیست، دشمن ما نورد الیانس (نیرو های شمال) اند که باید خلع سلاح و نابود شوند (۲۴).

بر بنیاد همین سیاست و در نتیجه خلع سلاح نیرو های شمال زیر نام DDR و جابجایی طالبان توسط چرخ بال های انگلیسی و امریکایی در شمال، طالبان

نخست استان های بدخشان ، تخار ، کندز و جوزجان وفاریاب را در اختیار گرفتند و سپس هرات را و در فرجام کابل را با استفاده از فراکرد یا تجربه دوره نخست تسخیر کردند.

با به قدرت رسیدن طالبان و تسخیر کابل توسط نیروی ۴۰۰ نفری شبکه حقانی ، و فرار غنی رییس جمهور پیشین به دوبی ، طالبان قدرت را این بار در سرتا سر افغانستان تسلیم شدند.

طالبان که یک ساختار اکثریت مطلق پشتون سنی ، ملی گرایی اسلامی ، ملی گرایی افغانی یا پشتونی هستند. طی مدت دو سال و اندی در کشور حالت اختناق و ترور نظامی گری شدید رامنند دوره حفیظ الله امین مسلط ساخته اند ، ترور نظامیان پیشین ، بدون دادگاه و اعدام صحرایی ، جلوگیری از آزادی رسانه ها ، سرکوب جنبش های زنان و جوانان ، بسته کردن اغلب رسانه های گروهی و فرار خبر نگاران و یا ترور آنها ، راندن بانوان در خانه ها و جلوگیری از کار زنان در خارج از منزل بویژه در بخش آموزش و پرورش ، جلوگیری از آموزش دوشیزگان بالاتر از سن ده ساله در آموزشگاه ها و دانشگاه ها ، بی توجهی به حقوق مدنی ، سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی شهروندان کشور ، نقض صریح اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنونسیون های بین المللی بویژه در مورد حقوق مدنی و سیاسی شهروندان و حقوق زنان از عواملی هستند که موجب شده اند ، این رژیم از جانب هیچ کشوری برسمیت شناخته نشود و کرسی نمایندگی افغانستان در ملل متحد در اختیار آنها قرار نگیرد.

زبان اداری امارت دوم طالبان :

از عملکرد های طالبان بر می آید ، که طی مدت دو سال و اندی ، در ادارات دولتی اغلب پیشنهاد ها و فرامین تنها به زبان پشتو انجام می شود ، عریضه های که به زبان پشتو نباشد ، به دوران انداخته نمی شوند.

اکثریت نزدیک به تمام اعلامیه های دولت به یک زبان پشتو انجام می شود ، فارسی ستیزی و دشمنی با زبان فارسی به شدت در داخل کشور و از سوی حامیان طالبان در بیرون از کشور دامن زده می شود ، نمونه آنها نابودی نام ها و آثار مولانا جلال الدین محمد بلخی شاعر جهانی زبان فارسی در شهر مزار شریف ، دستور شفاهی ملا هیبت الله مبینی بر اینکه باید تمام نامه ها در ادارات دولتی به زبان پشتو انجام شود. نامه های در رسانه ها نشر شده اند ، که وزیر سرپرستان اغلب وزارت ها به کارمندان شان دستور داده اند که نامه های دولتی باید تنها به زبان پشتو باشد.

تلاش وزارت آموزش و پرورش که بجای مکاتب مدارس ساخته شود و در مدارس تنها کتاب های دینی که در مدارس پاکستان تدریس می شوند و به زبان های پشتو وارد و اند تدریس شوند. از کارکرد های اشکارای فارسی ستیزی در

حاکمیت موجود طالبان است .

دستور سرپرست وزارت تحصیلات عالی و مسلکی مبنی بر این که در کتاب خانه ها تنها کتاب های دینی اسلامی آنهم تنها به زبان پشتو بجای کتاب های علمی گذاشته شوند و کتاب های علمی و تاریخی و شعر وداستان نابود شوند . اقدام جنایتکارانه وضد دانش بشری است که نباید عملی شود . چون ۹۹ درصد کتاب های کتابخانه های کشور علمی و اغلب به زبان فارسی اند ، این دستور وزیر سرپرست تحصیلات عالی و مسلکی تخطی جدی از اصول اسلامی و انسانی و اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی است. که نباید عملی شود.

درمورد اقدام های عجولانه حکومت سرپرست طالبان خاطر نشان می گردد:

بر بنیاد تحقیقات دانشمندان و زبانشناسان نود درصد مردم افغانستان به زبان فارسی دری آشنایی دارند که شامل : پشتون های فارسی زبان ، تاجیک ها ، هزاره ها ، ازبیک ها ، ترکمن ها ، بلوچ ها ، پشه یی ها ، نورستانی ها و دیگر تبار های کشور می باشند.

تنها ۲۵ در صد مردم افغانستان به زبان پشتو آشنایی دارند ، که شامل پشتون ها ، تاجیک های استان های جنوب و جنوبشرقی و شرقی کشور ، ، یک تعداد نورستانی ها ، یک تعداد بلوچ ها و یک تعداد پشه یی ها می باشند. همین مساله موجب شده است که سخن طالبان به گوش ۹۰ در صد مردم کشور نرسد و ۹۰ در صد مردم به نداها و فرمان های طالبان توجه ننمایند.

زبان فارسی دارای نزدیک به نود دوهزار واژه است ، که در هرژده مجلد کتاب لغتنامه تنظیم شده است ، در حالی که زبان پشتودارای یک لغتنامه دو جلدی افغان قاموس تالیف عبدالله افغانی نویس است که تعداد صفحه های آن به ۱۳۴۲ صفحه و اگر واژه های فارسی ، عربی ، پنجابی ، ترکی و مغولی را از میان آن برداریم تعداد واژه های پشتو خالص آن به یک هزار واژه نمی رسد، که به مشکل می توان آن را در یک کتاب صد صفحه یی جابجا کرد. (۲۵) .

زبان فارسی دومین زبان باستانی جهان پس از یونانی است که در میان چهار زبان باستانی جهان چون: یونانی ، سنسکرت و لاتین جایگاه دوم را دارد. و به روایت دیگر زبان فارسی پس از زبان های عبری جدید ، تامیل ، لیتوانی ، فارسی جایگاه چهارم را دارد.

زبان فارسی چنانی که در این جستار نگاشته شده است ، با ساختار و واژه هایش از دو هزار و هشت سال با الفبا های آرامی ، سنسکرت ،میخی سومری و میخی ایلامی ، یونانی ، آشکانی ، پهلوی ، مانوی ، نستوری ، کوشانی ، خروشتی ، پالی دوادانشگری و فارسی امروزی نگاشته شده است و دارای نزدیک به ملیون ها رویه کتاب ، شعر ، سند دفتری ، اداری ، کتاب ، مجلات ، روزنامه ها ، هفته نامه ها ، ماهنامه ها ، فصلنامه ها و سالنامه ها می باشد.

که اگر تمام کتاب های چاپ شده به زبان پشتو را جمع آوری کنیم به بیست هزار صفحه نخواهد رسید.

زبان فارسی دومین زبان دینی و اسلامی پس از عربی در جهان اسلام است که هزار ها عنوان کتب دینی و اسلامی به این زبان طی یک هزار و دویست سال نگاشته شده است و اغلب دانشمندان اسلامی به این زبان نگاشته اند. در حالی که در زبان پشتو کتاب های دینی که ترجمه نشده و به این زبان نگاشته شده باشد ، از بیست عنوان تجاوز نمی کند.

زبان فارسی یک زبان نیمه جهانی است و همین اکنون در کشور های : ایران ، افغانستان ، تاجیکستان ، ازبکستان ، پاکستان ، بحرین ، عراق ، جمهوری اذربایجان و دیگر جاه ها صحبت می شود و تعداد گویشوران آن به ۲۰۰ میلیون نفر می رسد .

در حالی که زبان پشتو تنها در یک بخش افغانستان و در یک بخش پاکستان آنهم با نظام واژی و نظام واژگانی مختلف صحبت می شود.

در پاکستان کمترین آثار به این زبان نگاشته شده است و حتی صوفی خان جمعه کتاب های : ( گل برای درمسال و فریب ناتمام ) خود را نخست به زبان پشتو و سپس نسبت فروش کم به زبان اردو برگردانی و نشر نمود . در پاکستان طی سال ۲۰۲۳ ترسایی هیچ کتابی به زبان پشتو به نشر نرسیده است. از همینرو است که ندا های طالبان به زبان پشتو بجایی نمی رسد. در افغانستان امروزی تا سال های ۱۹۳۰ ترسایی هیچ سند اداری و رسمی در کشور به زبان پشتو وجود ندارد.

به گفتاورد پوهاند عبدالحی حبیبی در کتاب : تاریخ خط و نوشته های کهن افغانستان نخستین سندی که به زبان پشتو در افغانستان ثبت نموده است شعری است که به خط و کتابت وکیل الدین فوفل زایی به نشر رسانیده است در رویه ۲۵۴ این کتاب آمده است :

هر اختر چه پعالم کش دامکان وی + پر مقصد دی د امیر عبدالرحمن وی (۲۶)  
زبان فارسی نسبت داشتن ضرب المثل ها در میان سه زبان جهان انگلیسی ، فرانسوی و آلمانی جایگاه نخست را دارد،

در حالی که ضرب المثل ها در زبان پشتو بسیار کم است . اگر همه ای آنها را جمع بکنیم به مشکل به صد ضرب المثل می رسد  
زبان فارسی بزرگترین زبان شعری جهان است و در این زبان صد ها هزار شعر سروده شده است ، که در نوع خود جایگاه نخست را دارد.

در حالی که تعداد شاعران زبان پشتو به مشکل به صد شاعر می رسد.  
زبان فارسی توان ساختن ۲۲۶ میلیون واژه را دارد ، که می تواند به گفتاورد فریدریش انگلس بهترین زبان جهانی شود.

این در حالی است که در زبان پشتو به مشکل می توان تا ده هزار واژه ساخت . طالبان چگونه و به کدام خیال می خواهند تا زبان عالی و نیرومند فارسی را به زبان پشتو تعویض نمایند؟

طالبان با آن که در افغانستان امنیت را آورده اند ، مگر صدای آنها به خاطر اینکه از زبان فارسی استفاده نمی نمایند ، به گوش نود درصد مردم کشور نمی رسد . طالبان باید بدانند ، که زبان فارسی یازدهمین زبان پر کاربرد در محتوای وب سایت ، اینترنت ایکس و تسپ ، فیسبوک و دیگر رسانه های مجازی است . طالبان باید بدانند ، که زبان فارسی بی تعصب ترین زبان جهان است که میان مرد و زن جدایی جنسیتی ندارد، از اینرو مرد و زن هر دو خود را در این زبان مساوی می یابند .

در فرجام خاطر نشان می سازم ، که طالبان این حق را ندارند ، تا زبان مادر و برادر زبان پشتو یعنی فارسی را از گردش اداری کشور بیرون کنند و تاریخ سه هزار و هشتصد ساله تمدن و فرهنگ زبان های بلخی ، اوستایی ، کیانی ، مادی ، هخامنشی ، آشکانی ، پرتوی ، پهلوی ساسانی ، کوشانی ، کیدانی و فارسی دری را در هم بزنند و تاریخ و تمدن این کشور را نابود سازند . در فرجام یاد آور می شود : که هدف این مخلص به هیچروی تحقیر و توهین به فرهنگ و زبان شیرین و شیوای پشتو یا افغانی نیست ، این زبان به مردم افغانستان تعلق دارد و زبان رسمی و ملی کشور ما به حساب می آید و ۲۵ در صد نفوس کشور با آن تکلم می کنند ، باید در زمینه رشد آن کار های اساسی زبانشناسیک انجام شود ، کتاب ها و آثار علمی به این زبان ترجمه و برگردانی شود ، در دوستی و یاری با زبان فارسی و احترام به گویشوران زبان فارسی رشد داده شود ، با دشمنی با زبان فارسی و نابودی آن نه زبان پشتو رشد می کند و نه در جامعه ته نشین می شود ، بلکه در دوستی و یاری زبان های کشور می توان به رشد زبان پشتو پرداخت ، طی سالیان دشمنی با زبان فارسی نه تنها زبان پشتو رشد نکرد بلکه موجب شد تا اکثر پشتون های فارسی زبان ، تاجیکان ، هزاره ها ، ازبیک ها و دیگر شهروندان کشور به چشم نفرت به این زبان بنگرند ، در حالی که اگر در تبانی و احترام به زبان فارسی و همزمان با رویکرد و توجه به هر دو زبان در کشور تلاش صورت می گرفت ، در آنصورت مردم با عشق و محبت زبان پشتو را فرا می گرفتند و آن رادر زندگی اجتماعی خود بکار می بردند .

زبان های فارسی و پشتو به مردم افغانستان تعلق دارند ، نه تنها این دو زبان بلکه باید از نابودی زبان های ازبیکی ، ترکمنی و پامیری و دیگر زبان های کشور نیز جلوگیری نمود .

بادشمنی و رویکرد به یک زبان و دشمنی و ستیز با دیگر زبان ها نتیجه و فرایند



مثبت نداد باید به این شیوه پایان داد.

با درود ومهر

دکتر حمیدالله مفید

رویکرد ها :

- ۱- گات ها کهن ترین بخش اوستا دو گزارش از ابراهیم پور داوود انتشارات اساتیر ۲۵۷/۲ چاپ دوم ۱۳۸۴ از رویه ۶۴ ببعده .
- ۲- فرمان های شاهنشاهی هخامنشی که به زبان آریایی پارسی باستان نوشته شده است تالیف زلف نارمن شارب ناشر موسسه فرهنگی و انتشارات پازینه زمستان ۱۳۸۴
- ۲- indo-Scythia Wikipedia 20.03.2019
- ۳- مهدی حیدری آشنایی با نظام مدیریت اداری داریوش وبلغ ایشان
- ۴- تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز نویسنده ا.ا گرانتوسکی - م.ا. داندامایو برگردان کیخسرو کشاورز ، چاپ مراورید تهران ۱۳۵۳
- ۵- احمد سمیعی ادبیات ساسانی ، تهران انتشارات دانشگاه آزاد ایران سال ۱۳۵۵
- ۶- Kushan Empire (ca 2nd century B.C -3rd century A
- ۷- باباجان غفوروف تاجیکان تاریخ قدیم قرون وسطی و دوره نوین موسسه نشراتی عرفان وزارت فرهنگ و انتشارات اسلامی سال ۱۳۷۷
- ۸- کریستن سن . ارتور ایران در زمان ساسانیان برگردان رشید یاسمی چاپ پنجم . تهران انتشارات امیر کبیر ۱۳۶۷ رویه ۳۱۶
- ۹- کابل ناتھه 12.2.2021 www.kabulnoth.de
- ۱۰- امیر اکبری (۱۳۸۴) تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام تهران سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی .
- ۱۱- Ghürids Encyclopaedia of Islam onlin ediition
- ۱۲- جوزجانی منهاج سراج طبقات ناصری تصحیح عبدالحی حبیبی انجمن تاریخ افغانستان ، کابل سال ۱۳۴۲ رویه ۳۱۹
- ۱۳- جوینی ، عظاملک محمد بن محمد تاریخ جهانگشای تصحیح محمد قزوینی ، تهران دنیایی کتاب ۱۳۵۷ چاپ اول ، جلد دوم
- ۱۴- پرویز ، عباس ، تاریخ سلاجقه و خوارزم شاهان ، تهران انتشارات کتب ایران سال ۱۳۵۱
- ۱۵- انصافی ( حمله مغول بر ایران رویه ۴۶

- ۱۶- بروان ادوارد ، تاریخ ادبیات ایران به تصحیح علی اصغر حکمت از سعدی تا جامی چاپخانه بانک ملی ایران تهران سال ۱۳۲۷
- ۱۷- ملا احمد تتوی ، آصف خان قزوینی تاریخ الفی ج اول تهران شرکت انتشارات علمی فرهنگی سال ۱۳۹۳
- ۱۸- رستم التواریخ محمد هاشم آصف شرکت سهامی کتاب های جیبی چاپ سوم ۱۳۵۷ رویه ۹۹
- ۱۹- اکسورثی مایکل (۱۳۸۸) شمشیر ایران ، نادر شاه ، ترجمه محمد حسین آریا تهران اساطیر رویه ۸
- ۲۰- تاریخ احمد شاهی نوشته : محمود الحسینی تصحیح و تحشیه : دکتر غلامحسین زرگری نژاد انتشارات دانشگاه تهران ۲۶۹۲ چاپ دوم .
- ۲۱ افغانستان در مسیر تاریخ نوشته میر غلام محمد غبار چاپ چهارم انتشار بهار سال ۱۳۶۸ خورشیدی
- ۲۲ - افغانستان در پنج قرن اخیر مولف میر محمد صدیق فرهنگ انتشارات محمد وفايي قم چاپ دوم سال ۱۳۷۴ در سه جلد
- ۲۳ - تاریخ خط نوشته های کهن افغانستان از عصر قبل التاريخ تا کنون تالیف : پوهاند عبدالحی حبیبی طبع دوم سال ۱۳۷۷ کتابخانه قصه خوانی پشاور
- ۲۴ - Every Day is Extra by John kerry 04 .09 . 2018 New York
- ۲۵ - افغان قاموس فارسی پشتو جلد اول از آ-ز و جلد دوم از س- ی تالیف عبدالله افغانی نویسنده پشتو تولنی دلغاتو د سانگی له خوا ناشر انتشارات خیری چاپ اول ۱۳۸۸ کابل
- ۲۶ - تاریخ خط نوشته های کهن افغانستان از عصر قبل التاريخ تا اکنون تالیف پوهاند عبدالحی حبیب سال طبع دوم ۱۳۷۷ کتابخانه دانش قصه خوانی پشاور .